



Analyzing the Evolution of Exceptional Verses (Based on the Study of Narrative Commentaries in the Second to Ninth Centuries)

Zahra Kalbasi¹
Amir AhmadNezhad²

Received: 07/08/2021

Accepted: 19/02/2022

DOI: 10.22051/TQH.2022.37162.3308

DOR:

Abstract

Verses that contrary to the context of a surah is considered Makkī or Madanī, are exceptional. According to this research, the exceptional verses have been increasing from the second to the ninth century; as far as on which Suyoutī has narrated 90 hadiths. Using the analytical-descriptive method, it studies the development and evolution of the quality and quantity of such verses during 6 centuries. Based on the commonalities and differences, the commentators' approach to the exceptional verses may be divided into three periods. In the first period (2nd-4th century), the commentators usually excluded a few verses while mention neither their narrators nor the reason for excepting. In the second period (5th-7th centuries) more verses were excluded and the commentators have taken great efforts in quoting narrations to express the exception of the verses, as some mentioned few narrators in the report of the exceptional verses. In this period, the reason for the exclusion of a significant number of verses has been stated in the introduction of the Surahs. In the third period (7th-9th century), the volume of exceptional verses reached its peak, new narrators were mentioned, and many exceptional verses were attributed to famous narrators. At the same time, a critical approach to exceptional verses has been formed and few of these verses have been criticized by commentators. One of the commonalities of all periods is that many exceptional verses are Makkī (Meccan) and these verses are generally quoted in the introduction of the Surahs.

Keywords: Exceptional Verses, Narrative Commentaries, Makkī and Madanī.

¹. Assistant Professor and Post-doc, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Esfahan, Iran. Email: z.kalbasi@theo.ui.ac.ir

². Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Esfahan, Iran. Email: ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.ع.)

سال بیستم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲، پیاپی ۵۹

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۶۵-۱۳۷

تحلیل تطور آیات مستثنا

(براساس مطالعه تفاسیر روایی قرن‌های دوم تا نهم)

دکتر زهرا کلباسی^۱

دکتر امیر احمدنژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

DOI: 10.22051/TQH.2022.37162.3308

DOR:

چکیده

آیات مستثنا، آیاتی است که برخلاف کلیت آیات یک سوره، در مکه یا مدینه نازل شده است. براساس تحقیق پیش رو، شمار آیات مستثنا در روایات از قرن دوم تا نهم سیر صعودی داشته؛ تا جایی که سیوطی ۹۰ روایت درباره این قسم از آیات نقل کرده است. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته، در پی بررسی چگونگی شکل‌گیری و تطور کمی و کیفی آیات مستثنا از منظر مفسران در طی شش قرن مزبور برآمده است. برحسب نقاط اشتراک و افتراق، رویکرد مفسران به آیات مستثنا را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد. در دوره نخست (قرون ۲-۴) معمولاً مفسران آیات انگشت شماری را مستثنا نموده و در نقل این آیات از روایان خود نام نبرده و به علت مستثنا شدن آیات هم اشاره‌ای نکرده‌اند. در دوره دوم (قرون ۵-۶) آیات بیشتری مستثنا شده و مفسران به نقل روایت در بیان مستثنا شدن آیات اهتمام فراوانی داشته‌اند و بعضاً از چند راوی در گزارش مستثنا شدن آیات نام برده‌اند. در این دوره علت مستثنا شدن میزان قابل توجهی از آیات در مقدمه سوره‌ها بیان گردیده است. در دوره سوم (قرون ۷-۹) حجم آیات مستثنا به اوج خود رسیده، از روایان جدیدی در نقل آیات مستثنا یاد شده و آیات مستثنای فراوانی به روایان مشهور نسبت داده شده است. در عین حال رویکرد انتقادی به این‌گونه آیات نیز شکل گرفته و اندکی از این آیات توسط مفسران نقد شده است. از مکی بودن بسیاری از آیات مستثنا و نقل این آیات عموماً در مقدمه سوره‌ها هم می‌توان به عنوان نقاط اشتراک همه ادوار نام برد.

واژه‌های کلیدی: آیات مستثنا، تفاسیر روایی، مکی و مدنی.

۱. پسا دکترا و استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول): Z.kalbasi[at]theo.ui.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: ahmadnezhad[at]tr.ui.ac.ir

مقدمه

آیات مستثنا آیتی است که برخلاف کلیت آیات یک سوره، در مکه یا مدینه نازل شده است. بدین سان آیات مستثنا در سوره مکی به معنای نزول آن آیات در مدینه و بالعکس است. طبعاً اگر برای سوره مکی آیات مستثنا را بپذیریم، به این معناست که بعدها در مدینه آیتی نازل شده و به این سوره افزوده شده است. اما اگر سوره‌ای مدنی آیات مستثنا داشته باشد، به این معناست که آیتی در مکه نازل شده، اما در هیچ سوره‌ای ثبت نشده تا آنکه چندین سال بعد در مدینه سوره آن فرود آمده است. آیات مستثنا همواره مورد توجه بسیاری از مفسران بوده و از قدیمی‌ترین تفاسیر برجا مانده از قرن دوم تاکنون پیوسته در تفاسیر نقل شده است. هرچند در دوران معاصر برخی نگاه‌های انتقادی به این آیات شکل گرفته و تعداد اندکی از مفسران و قرآن پژوهان یا اغلب آیات مستثنا را بی اعتبار دانسته (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۲؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج ۶، ص ۲۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۲۰۳ و ج ۱۶، ص ۲۴۳ و ج ۱۹، ص ۳۶۷) یا تنها موارد محدودی را در سوره مکی پذیرفته (دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۶، ص ۱۲۷) و یا به طور کلی آنها را مردود دانسته‌اند (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۰؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳، میرمحمدی زرنندی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴۱؛ فائز، ۱۳۹۵، ص ۳۶ و ص ۴۳۱-۴۳۲؛ موسوی مقدم، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹ به بعد). اما در هیچ یک از این آثار سیر تغییر و تحول کمی و کیفی آیات مستثنا بررسی نشده است. بر همین اساس نوشتار پیش‌رو با جست‌وجو در حدود ۴۰ تفسیر شاخص روایی و تقسیم بندی آنها به سه دوره‌ی متقدمان (قرون ۲-۴)، میانه (قرون ۵-۶) و متأخران (قرون ۷-۹) درصدد پاسخ به سؤالات ذیل برآمده است: نخست میزان نقل آیات مستثنا در هر دوره چقدر بوده و آیا این روند در قرون مختلف کاهشی بوده یا افزایشی؟ نقش روایات در مستثنا ساختن آیات چقدر است؟ در مقابل میزان سهم اجتهاد مفسران در مستثنا نمودن آیات چقدر است؟ مفسران در هر دوره به لحاظ شکلی چگونه آیات مستثنا را گزارش کرده‌اند؟ چقدر مفسران به دلایل مستثنا شدن آیات پرداخته‌اند؟ آیا مفسران در برابر آیات مستثنا رویکرد انتقادی هم داشته‌اند؟ در نهایت روایات مستثنا به لحاظ اصالت و قدمت چقدر معتبر است؟

۱. دوره اول: تفاسیر متقدم (قرون ۲-۴)

در این دوره به سبب اهمیت کشف نقطه آغازین نقل آیات مستثنا در تفاسیر، تمامی تفاسیر در دسترس، مورد بررسی قرار گرفته که براساس آن تفاسیر به دو دسته تقسیم شده‌اند:

نخست: مفسرانی همچون ابو حمزه ثمالی، شافعی، فراء، ابو عبیده معمر بن مثنی، عبدالرزاق صنعانی، ابو عبید قاسم بن سلام، تستری، حبری، فرات کوفی، عیاشی، ابن ابی حاتم، ماتریدی و جصاص که علاقه یا عقیده‌ای به نقل مکی و مدنی بودن سوره‌ها و به تبع آن بیان آیات مستثنای ذیل سوره‌ها نداشته‌اند. قمی (م قرن ۴) نیز هر چند مکی و مدنی سوره‌ها را بیان کرده، اما هیچ آیه‌ای را مستثنا ندانسته است.

دوم: مفسرانی که آیات مستثنا را در هر سوره بیان نموده‌اند؛ تعداد آیات، شیوه گزارش آیات و اجتهادی یا روایی بودن آیات مستثنا در این تفاسیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیش از ورود به بحث دو نکته لازم به ذکر است: **اول** آنکه در این نوشتار مقصود از یک مورد مستثنا، صرفاً یک آیه نیست؛ بلکه مواردی هم که چند آیه پشت سر هم مستثنا به شمار آمده‌اند، یک مورد خوانده شده است. مثلاً روایتی که آیات ابراهیم: ۲۸-۲۹ را مستثنا معرفی کرده، به عنوان یک مورد حساب شده است. **دوم**، معیار مکی یا مدنی بودن هر سوره در تمامی گزارش‌ها، دیدگاه همو مفسر است. از این رو اگر از سوره اختلافی مثل الحج، الرعد و ... گاهی به عنوان سوره مکی و گاهی مدنی یاد می‌شود، بر حسب روایتی است که مفسر مورد نظر درباره آن سوره بیان نموده و به تبع آن آیاتی از سوره را مستثنا دانسته است. لیست تفاسیر مورد بررسی به ترتیب زمانی به شرح ذیل است:

۱-۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان

مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ هجری) را باید در دو ساحت مفسر و راوی بررسی کرد. او در جایگاه مفسر، قدیمی‌ترین مفسر شناخته شده‌ای است که به نقل آیات مستثنا پرداخته و البته با نقل ۳۷ آیه مستثنا، رکورددار نقل این گونه آیات در میان متقدمان هم هست. مقاتل مستثنا بودن هفت آیه را در مقدمه سوره‌ها بیان کرده و مابقی را در خلال تفسیر

آیات مشخص نموده است. ۲۸ آیه را به صراحت مستثنا خوانده و نه آیه دیگر را به طور غیرمستقیم مستثنا دانسته است. او ۲۷ مورد را برحسب سبب نزولی که ذیل آنها وجود داشته، مستثنا خوانده و مابقی را بدون دلیل یا برحسب یک روایت تفسیری مستثنا کرده و تنها ذیل آیه (الانعام: ۲۰) از عبدالله بن سلام به عنوان راوی مستثنا بودن این آیه نام برده و مابقی آیات را بدون ذکر راوی مستثنا دانسته است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۶۱-۶۲) لیست آیات مستثنای مقاتل در تفسیرش به این شرح است؛ آیات: الانعام: ۲۰ (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۵۳-۵۵۴)؛ الانعام: ۹۱ (همان، ص ۵۷۴-۵۷۵)؛ الانعام: ۹۳ و ۱۵۱-۱۵۳ (همان، ص ۵۴۷-۵۴۸)؛ الاعراف: ۱۶۳-۱۷۲ (همو، ج ۲، ص ۷۲)؛ یونس: ۹۴-۹۵ (همان، ص ۲۴۸-۲۴۹)؛ هود: ۱۲، ۱۷ و ۱۱۴ (همان، ص ۲۶۹-۲۷۰)؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ (همان، ص ۴۰۶)؛ النحل: ۴۰، ۷۵ و ۱۱۰ (همان، ص ۴۵۷-۴۵۸)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ (همان، ص ۴۹۵)؛ الاسراء: ۶۰، ۷۱ و ۷۳ و ۸۰ (همان، ص ۵۱۲)؛ الاسراء: ۱۰۷-۱۰۹ (همان، ص ۵۵۵)؛ الکهف: ۱-۷ (همان، ص ۵۷۲-۵۷۳)؛ مریم: ۵۸ (همان، ص ۶۳۲)؛ الحج: ۱-۲، ۱۱، ۲۵، ۳۹-۴۰، ۵۴، ۵۸-۵۹ (همو، ج ۳، ص ۱۱۱-۱۱۲)؛ الشعراء: ۱۹۷ (همان، ص ۲۸۰)؛ الشعراء: ۲۲۴ (همان، ص ۲۵۷)؛ القصص: ۵۲-۵۴ (همان، ص ۳۴۸-۳۴۹)؛ السجدة: ۱۶ (همان، ص ۴۴۷) و الزمر: ۵۳-۵۵ (همان، ص ۶۸۳) که همگی در سور مکی قرار گرفته‌اند. مقاتل آیات الانفال: ۳۰ (همو، ج ۲، ص ۹۷)، دو آیه آخر سورة التوبة (همان، ص ۱۵۳) و آیات مبهمی از سورة التغابن (همو، ج ۴، ص ۳۴۹) را هم در سور مدنی مستثنا کرده است.

در بخش دوم مقاتل بن سلیمان در جایگاه راوی آیات مستثنا مورد بررسی است. به این معنا که مفسران قرون بعدی نوزده روایت درباره آیات مستثنا را به نقل از مقاتل گزارش کرده‌اند که آیات: الأنعام: ۹۱ (سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۶)؛ الأعراف: ۱۶۳-۱۷۲ (ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۲)؛ یونس: ۹۴-۹۵ (ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۰۲)؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۸، ص ۳۰۴)؛ هود: ۱۲، ۱۷ و ۱۱۴ (ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۴۸)؛ الرعد: ۴۳ (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۶، ص ۴۱۹)؛ الاسراء: ۱۰۷ (ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۳۴)؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۰، ص ۲۰۳)؛ الشعراء: ۱۹۷ (ابن عطیة،

۱۴۲۲ق، ج ۱۳، ص ۸۷)؛ سیأ: ۶ (ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۱۴، ص ۲۵۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۴، ص ۲۵۸)؛ السجدة: ۱۸-۲۰ (ماوردی، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۲؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۹۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۴، ص ۸)؛ الزخرف: ۴۵ (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۶، ص ۶۱) و القمر: ۴۴-۴۶ (ماوردی، بی تا، ج ۵، ص ۴۰۸) در سور مکی و در سوره مدنی الأنفال: آیه ۱۳ که به مسئله هجرت پیامبر اشاره داشته (ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۹۶) را شامل می شود.

۲-۱. تفسیر یحیی بن سلام

این تفسیر تنها شامل سور: النحل تا طه و الفرقان تا الصافات است. ابن سلام (م ۲۰۰ هجری) ۵ مورد که شامل آیات: الأنعام: ۱۴۶ (یحیی بن سلام، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۱۸)؛ النحل: ۴۱ (همو، ج ۱، ص ۶۵)؛ النحل: ۴۱ تا آخر (همان، ص ۴۹) و العنکبوت: ۱-۱۰ (همو، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۶۱۵) در سور مکی و ۵۲-۵۵ در سوره مدنی الحج (همو، ج ۱، ص ۳۵۳) را مستثنا کرده است. از این تعداد، تنها دو مورد نخست را یحیی به نقل از قتاده در خلال تفسیر آیات بیان کرده و مابقی احتمالاً اجتهاد او درباره این آیات بوده که در مقدمه سوره ها بیان شده است.

۳-۱. تفسیر غریب القرآن

ابن قتیبہ (م ۲۷۶ هجری) شش مورد را در سور مکی مستثنا نموده که شامل آیات: الأنعام: ۱۵۱-۱۵۳ (ابن قتیبہ، بی تا، ص ۱۳۱)؛ ۳ آیه مبهم در سوره الحج (همو، ص ۲۴۷)؛ الشعراء: ۲۲۳-۲۲۷ (همو، ص ۲۷۱)؛ السجدة: ۱۸-۲۰ (همو، ص ۲۹۶)؛ الزمر: ۵۳-۵۵ (همو، ص ۳۲۹) و التغابن: ۱۴-۱۶ (همو، ص ۴۰۲) است. علی رغم آنکه او در صدد بیان غریب القرآن ها بوده، اما در مقدمه هر سوره آیات مستثنا را بیان کرده که حاکی از اهمیت این آیات در نگاه ابن قتیبہ است. هر چند توضیح تفسیری یا شأن نزولی ارایه نکرده که علت مستثنا شدن آیات را بتوان فهمید.

۱. مفسر ذیل آیه ۱۱۸ سوره النحل به روایتی از قتاده اشاره کرده که آیه الانعام: ۱۴۶ برخلاف سایر سوره که مکی است، در مدینه نازل شده است.

۱-۴. تفسیر کتاب الله العزیز

هودبن مُحَكَّم هُوَّاری (م ۲۸۰ هجری) پنج مورد را مستثنا نموده که همگی در سور مکی قرار گرفته و شامل: الأنعام: ۱۵۱-۱۵۳ (هواری، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۴۶۲)؛ آیه‌ای مبهم در سورة الأعراف (همو، ج ۲، ص ۵)؛ النحل: ۴۱ تا آخر (همان، ص ۳۵۵)؛ الحج: ۵۲-۵۵ (همو، ج ۳، ص ۸۶) و العنکبوت: ۱-۱۰ (همان، ص ۲۶۰) است. او مورد اول را بنابر روایتی از کلبی مستثنا نموده (همو، ج ۱، ص ۴۶۲) و برای مستثنا شدن مابقی آیات، روایتی بیان نکرده است. هواری در مقدمه هر سوره به آیات مستثنای آن اشاره نموده است.

۱-۵. تفسیر الواضح فی تفسیر القرآن

ابن وهب دینوری (م ۳۰۸ هجری) ۲۱ مورد را مستثنا کرده که شامل آیات: الأنعام: ۹۱-۹۲ و ۱۵۱-۱۵۳ (دینوری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۲۱۸)؛ یونس: ۴۰ (همان، ص ۳۳۵)؛ النحل: ۴۱، ۱۱۰ و ۱۲۶-۱۲۷ (همان، ص ۴۲۹)؛ الإسراء: ۷۳-۷۵، ۷۶ و ۸۰ (همان، ص ۴۴۹)؛ الشعراء: ۲۲۴ (همو، ج ۲، ص ۹۱)؛ القصص: ۸۵ (همان، ص ۱۱۸)؛ الشوری: ۶۱، ۲۳ و ۳۷-۴۰ (همان، ص ۲۷۴)؛ الأحقاف: ۱۰ و ۱۵-۱۷ (همان، ص ۳۰۶)؛ النجم: ۳۵ (همان، ص ۳۵۲)؛ الواقعة: ۳۹-۴۰ و ۸۱-۸۲ (همان، ص ۳۶۹)؛ المزمّل: ۱۱ (همان، ص ۴۴۸) و المجادلة: ۷ (همان، ص ۳۸۴) است. جز سوره مجادله که مدنی است، مابقی آیات مستثنا در سور مکی قرار گرفته است. دینوری تمامی آیات مستثنا را در مقدمه سوره‌ها بیان کرده و ذیل هیچ آیه‌ای از راویان نام نبرده است. او اغلب در همان مقدمه سوره‌ها به توضیح مستثنا شدن آیات پرداخته و در مواردی هم در خلال تفسیر آیات (الانعام، النحل، المجادله و المزمّل) سبب نزول یا توضیحی بیان نموده که می‌توان علت مدنظر او در مستثنا شدن آیات را دریافت.

۱-۶. جامع البیان

طبری (م ۳۱۰ هجری) علی‌رغم رویکرد روایی‌اش در تفسیر، اما ابدأً به مکی یا مدنی بودن سوره‌ها پرداخته؛ چه رسد به بیان آیات مستثنا. از این رو براساس جست‌وجوی

دقیق در این تفسیر، تنها دو مورد آیات مستثنا را در سور مکی بیان کرده است. نخست آیات النحل: ۱۲۶-۱۲۸ که طبری با سه سند از قتاده، ابن جریج، عطاء بن ابی یسار (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۳۲) و دو سند از عامر (همان، ص ۱۳۱) به مستثنا بودن آنها و نزولشان در ماجرای شهادت حضرت حمزه در جنگ احد اشاره کرده است. دوم آیات العنکبوت: ۱-۱۰ که مستثنا بودن آنها را بنابر روایتی از قتاده بیان کرده است (همو، ج ۲۰، ص ۸۶).

۱-۷. الناسخ و المنسوخ

نحاس (م ۳۳۸ هجری) دوازده مورد را مستثنا کرده و برای ده مورد به روایاتی استناد نموده است. او در ابتدای هر سوره ابتدا آیات مستثنای آن را بیان کرده و سپس نظرات درباره آیات ناسخ و منسوخ را ذکر کرده که این رویکرد با توجه به عنوان کتاب، نشانگر اهمیت آیات مستثنا در نظر نحاس است. آیات مستثنای مدّ نظر او که همگی در سور مکی است، بدین شرح است: آیات: الأنعام: ۱۵۱-۱۵۳ (نحاس، بی تا، ص ۱۳۱)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ (همو، ص ۱۷۶)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همو، ص ۲۰۱)؛ لقمان: ۲۷-۲۹ (همو، ص ۲۰۵)؛ الزمر: ۵۳-۵۵ (همو، ص ۲۱۳)؛ دو آیه مبهم در المزمّل (همو، ص ۲۵۳)؛ التغابن: ۱۴-۱۸ (همو، ص ۲۵۱) که همگی به نقل از ابن عباس بوده؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ به نقل از ابن عباس و قتاده (همو، ص ۱۷۴)؛ الرعد: ۳۱ به نقل از قتاده (همو، ص ۱۷۳) و السجدة: ۱۸-۲۱ (همو، ص ۲۰۵) و آیه‌ای مبهم در سورة الصافات (همو، ص ۲۱۰).

۱-۸. تفسیر الکبیر

طبرانی (م ۳۶۰ هجری) هیجده مورد را مستثنا کرده که همگی جز سورة مطفین، در سور مکی است. او اغلب آیات را بدون استناد روایی مستثنا کرده و تنها در سه مورد، روایت بیان کرده است. طبرانی در مقدمه هر سوره آیات مستثنا را بیان کرده اما از توضیحات تفسیری او ذیل آیات، می‌توان به دلیل مستثنا شدن آنها نیز پی برد. لیست آیات مستثنای او بدین شرح است: الأنعام: ۹۱-۹۳ و ۱۵۱-۱۵۳ (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳، ص ۵)؛ هود: ۱۱۴-۱۱۵ (همان، ص ۴۱۵)؛ الإسراء: ۷۳-۷۵ و ۷۶-۷۷ و ۷۸-۸۰ (همو،

ج ۴، ص ۹۱؛ الکهف: ۲۸-۲۹ (همان، ص ۱۵۰)؛ الحج: ۱۱-۱۲ و ۳۹-۴۰ و ۷۷-۷۸ (همان، ص ۳۲۲)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همان، ص ۴۸۵)؛ القصص: ۸۵ (همو، ج ۵، ص ۴۹)؛ المزمّل: ۲۰ (همو، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ المطففين: ۲۹-۳۶ (همان، ص ۴۵۸)؛ الرعد: ۳۱ و ۴۳ (همو، ج ۴، ص ۵) و الزمر: ۵۳ (همو، ج ۵، ص ۳۶۱) به نقل از ابن عباس و العنکبوت: ۱-۱۰ به نقل از شعبی (همان، ص ۸۸).

۹-۱. تفسیر بحر العلوم

سمرقندی (م ۳۹۵ هجری) شانزده مورد را در سور مکی مستثنا کرده که برای برخی به روایت استناد کرده است. او در مقدمه هر سوره به آیات مستثنا پرداخته جز سوره حج که ذیل تفسیر آیات به مستثنا بودن سه آیه اشاره کرده است. همچنین وی برای نخستین بار به مستثنا بودن سوره حمد با عبارت «یقال» اشاره کرده که نشانگر تردید او درباره صحت این قول است. لیست مستثنیات او چنین است: سوره الحمد (سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵)؛ الأنعام: ۹۱-۹۳ و ۱۵۱-۱۵۳ (همان، ص ۴۳۳)؛ النحل: ۴۱، ۱۱۰، ۱۲۶ و ۱۲۷-۱۲۸ (همو، ج ۲، ص ۲۶۵) از ابن عباس؛ الأنعام: ۹۱ از مقاتل (همو، ج ۱، ص ۴۳۳)؛ الأنعام: ۱۵۱-۱۵۲ از شهر بن حوشب (همان، ص ۴۳۳)؛ النحل: ۱۲۶ از شعبی (همو، ج ۲، ص ۲۶۵)؛ الرعد: ۳۱ و ۴۳ (همان، ص ۲۱۵)؛ دو آیه ای در سوره ابراهیم (همان، ص ۲۳۴)؛ الحج: ۱۱ (همان، ص ۴۵۰)؛ الحج: ۲۵ (همان، ص ۴۵۵)؛ الحج: ۵۹ (همان، ص ۴۶۷) و القصص: ۸۵ (همان، ص ۵۹۷) است.

جمع بندی دوره اول

در موضوع آیات مستثنا، تفاسیر را در پنج محور می توان بررسی نمود. **نخست**؛ میزان نقل آیات مستثنا. **دوم**؛ میزان استناد مفسران به روایات صحابه و تابعین در بیان مستثنیات. **سوم** جایگاه نقل آیات مستثنا در هر سوره که در مقدمه یا ذیل تفسیر آیات بوده است. **چهارم** بیان علت مستثنا شدن آیات و **پنجم** تعداد آیات مستثنای جدید در هر تفسیر. نتایج حاصل از بررسی این پنج محور در تفاسیر متقدمان چنین است:

الف) جز مقاتل بن سلیمان که در میان متقدمان رکوردار نقل آیات مستثنا بوده و در ادوار بعد، از او به عنوان راوی مستثنیات هم یاد شده، مابقی مفسران تعداد اندکی از آیات را مستثنا دانسته‌اند؛ هرچند روند نقل آیات مستثنا در میان آنان افزایشی بوده و از تک رقمی به دو رقمی رسیده است.

ب) مفسران این دوره معمولاً برای نقل آیات مستثنا به روایات استناد کرده‌اند که یا عامدانه از مشایخ خود نام نبرده‌اند و یا براساس اجتهاد خود، آیات را مستثنا کرده‌اند. هرچند در گذر زمان مفسران بیشتر به ذکر نام راویان پرداخته‌اند. چنانکه مقاتل تنها یک آیه را به نقل از عبدالله بن سلام نقل کرده، اما سمرقندی نیمی از آیات مستثنا را به نقل از راویان مختلف بیان کرده است.

ج) عموم مفسران در مقدمه سوره‌ها از آیات مستثنا نام برده‌اند، جز طبری و مقاتل که اغلب در خلال تفسیر آیات به مستثنا بودن آنها اشاره کرده‌اند.

د) بجز دینوری که اغلب در مقدمه هر سوره هم‌زمان با بیان آیات مستثنا، به علت مستثنا شدن آیات هم پرداخته، مابقی مفسران معمولاً علتی برای مستثنا شدن آیات نگفته‌اند. هرچند از سبب نزول‌هایی که ذیل آیات بیان کرده‌اند، می‌توان به علت‌یابی بسیاری از مستثنیات پرداخت.

ه) طبعاً در دوره نخست کشف آیات مستثنای جدید معنا ندارد. اما نکته مهم، کشف آیاتی است که تنها در این دوره مستثنا شده و براساس جستجوها، در دو دوره بعدی در شمار مستثنیات نیامده است. لیست این آیات چنین است: آیات سوره الحمد؛ الأنعام: ۱۴۶؛ الحج: ۱-۲ و ۵۴ و ۷۷-۷۸؛ الشوری: ۱۶ و الأحقاف: ۱۵-۱۷.

۲. دوره دوم تفاسیر میانه: قرن ۵-۶

در این دوره آیات مستثنا از پنج تفسیر گزارش می‌شود:

۲-۱. تفسیر الکشف و البیان:

ثعلبی (م ۴۲۷ هجری) را همچون مقاتل در دو ساحت مفسر و راوی باید بررسی نمود. او در تفسیرش ده مورد را در سوره مکی مستثنا کرده که شامل آیات: الرعد: ۳۱ و ۴۳ به نقل از ابن عباس (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۲۱۷)؛ ابراهیم: ۲۸-۳۰ (همان، ص ۳۰۴)؛

الأنعام: ۹۱-۹۳ و ۱۵۱-۱۵۳ (همو، ج ۴، ص ۱۳۱)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ (همو، ج ۶، ص ۵)؛ الحج: ۱۹-۲۴ (همو، ج ۷، ص ۵)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همان، ص ۱۵۵)؛ الزمر: ۵۳ (همو، ج ۸، ص ۲۲۰)؛ التغابن: ۱۴ (همو، ج ۹، ص ۳۲۵) و المزمّل: ۲۰ (همو، ج ۱۰، ص ۵۸) است. او در مقدمه هر سوره به آیات مستثنا اشاره کرده، اما در تفسیر اغلب این آیات سبب نزول‌هایی بیان داشته که علت مستثنا شدن آنها را نشان می‌دهد. چنانکه هویداست ثعلبی جز مورد اول، مابقی را بدون استناد به روایت مستثنا ساخته است.

در جایگاه **راوی**، قرطبی آیات: الأنعام: ۹۱-۹۳ و ۱۵۱-۱۵۳ (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۶، ص ۳۸۲) و المزمّل: ۲۰ (همو، ج ۱۹، ص ۳۱) را به نقل از ثعلبی مستثنا ساخته است. ظاهراً ثعلبی این آیات را برحسب اجتهاد خود مستثنا کرده و سندی مطمئن تر و قدیمی تر برای این آیات وجود نداشته که قرطبی آنها را به نقل از وی بیان کرده است.

۲-۲. تفسیر النکت و العیون

ماوردی (م ۴۵۰ هجری) ۶۶ مورد را مستثنا کرده که شامل آیات ذیل است: ۴ آیه مبهم در سوره یوسف (ماوردی، بی تا، ج ۳، ص ۵)؛ الإسراء: ۷۳-۸۰ (همان، ص ۲۲۳)؛ الکهف: ۲۸ (همان، ص ۲۸۳)؛ الفرقان: ۶۸-۷۰ (همو، ج ۴، ص ۱۳۰)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همان، ص ۱۶۳)؛ القصص: ۸۵ (همان، ص ۲۳۳)؛ یس: ۴۷ (همو، ج ۵، ص ۵)؛ شوری: ۲۳-۲۶ (همان، ص ۱۹۱)؛ الجاثیه: ۱۴ (همان، ص ۲۶۰)؛ ق: ۳۸ (همان، ص ۳۳۹)؛ النجم: ۳۲ (همان، ص ۳۸۹)؛ الواقعة: ۸۲ (همان، ص ۴۴۵)؛ القلم: ۱۶-۳۳ و ۵۰-۴۷ (همو، ج ۶، ص ۵۹)؛ المزمّل: ۱۰-۱۱ (همان، ص ۱۲۴)؛ المرسلات: ۴۸ (همان، ص ۱۷۵) به نقل از ابن عباس و قتاده، النحل: ۹۵-۹۷ (همو، ج ۳، ص ۱۷۷) الحج: ۱۱-۱۲ (همو، ج ۴، ص ۵)؛ الزمر: ۲۳ و ۵۳ (همو، ج ۵، ص ۱۱۳) الرحمن: ۲۹ (همان، ص ۴۲۲)؛ از ابن عباس؛ الأحقاف: ۱۰ با دو سند شاذ از ابن عباس و قتاده و یک سند از کلبی (همان، ص ۲۷۰) و با اسنادی از ابن عباس، قتاده، عکرمه، مجاهد و سدی (همان، ص ۲۷۳) العنکبوت: ۱-۱۱ از ابن عباس، قتاده و یحیی بن سلام (همو، ج ۴، ص ۲۷۴)؛ لقمان: ۴ از حسین (همان، ص ۳۲۶)؛ لقمان: ۲۷-۲۸ از عطاء (همان، ص ۳۲۶)؛ السجدة: ۱۸-۲۰ از

کلبی و مقاتل (همان، ص ۳۵۲)؛ سبأ: ۶ از کلبی و ضحاک (همان، ص ۴۳۱)؛ القمر: ۴۴-۴۶ از مقاتل (همو، ج ۵، ص ۴۰۸) و السجدة: ۱۶-۲۰ (همو، ج ۴، ص ۳۵۲)؛ الزمر: ۵۳-۵۹ (همو، ج ۵، ص ۱۱۳) از راویان مبهم که همگی در سور مکی قرار گرفته و آیات الرعد: ۳۱-۳۲ (همو، ج ۳، ص ۹۱)؛ الحج: ۵۲-۵۵ (همو، ج ۴، ص ۵) از ابن عباس؛ محمد: ۱۳ (همو، ج ۵، ص ۲۹۰) و المطففین: ۲۹-۳۶ (همو، ج ۶، ص ۲۲۵) از ابن عباس و قتاده؛ المجادلة: ۷ از کلبی و المجادلة: ۱۱-۲۲ از عطاء (همو، ج ۵، ص ۴۸۷) که در سور مدنی واقع شده است.

قابل ملاحظه است که ماوردی برای همه آیات مستثنا از راویان ولو آنکه مبهم بوده- اند، یاد کرده است. او تقریباً تمام موارد مستثنا را در مقدمه هر سوره ذکر کرده است. هر چند ذیل اغلب آیات، سبب نزول‌هایی بیان کرده که زمینه مستثنا شدن آیات را نشان می‌دهد.

۲-۳. تفسیر التبیان

شیخ طوسی (م ۴۶۰ هجری) ۲۹ مورد را به عنوان آیات مستثنا یاد کرده که شرح آنها در سور مکی چنین است: آیات: الأنعام: ۹۱، ۹۲-۹۳ و ۱۵۱-۱۵۳ (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۷۵)؛ الفرقان: ۶۸-۷۰ (همو، ج ۷، ص ۴۶۹)؛ القصص: ۸۵ (همو، ج ۸، ص ۱۲۷)؛ یس: ۴۷ (همان، ص ۴۴۰) همگی به نقل از ابن عباس؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ (همو، ج ۶، ص ۲۶۹)؛ النحل: ۴۱ تا آخر سوره (همان، ص ۳۵۷)؛ العنکبوت: ۱-۱۰ (همو، ج ۸، ص ۱۸۵) از قتاده؛ الروم: ۱۷-۱۸ (همان، ص ۲۲۷)؛ لقمان: ۴ (همان، ص ۲۶۸)؛ فاطر: ۲۹-۳۲ (همان، ص ۴۱۰) و غافر: ۵۵ (همو، ج ۹، ص ۵۲) از حسن بصری؛ آیاتی مبهم از سوره النحل از مجاهد (همو، ج ۶، ص ۳۵۷)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ از شعبی (همان، ص ۳۵۷)؛ السجدة: ۱۸-۲۰ از کلبی و مقاتل (همو، ج ۸، ص ۲۹۱)؛ آیاتی مبهم از سوره الانعام از یزید بن رومان (همو، ج ۴، ص ۷۵)؛ الأنعام: ۱۵۱-۱۵۲ از شهرین حوشب (همان، ص ۷۵)؛ الأعراف: ۱۶۳-۱۶۵ (همان، ص ۳۴۰)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همو، ج ۸، ص ۳) و السبأ: ۶ (همان، ص ۳۷۲) از راویان مبهم و آیه النحل: ۴۱ که شیخ طوسی بدون ذکر نام راوی (همو، ج ۶، ص ۳۵۷) مستثنا کرده است. او ۵ مورد را در سور

مدنی مستثنا ساخته که به شرح ذیل است: آیات: الانفال: ۳۰-۳۶ از ابن عباس (همو، ج ۵، ص ۷۱)؛ الرعد: ۳۱ (همو، ج ۶، ص ۲۱۱) و الحج: ۵۲-۵۵ (همو، ج ۷، ص ۲۸۷) از قتاده؛ محمد: ۱۳ (همو، ج ۹، ص ۲۸۸) از ابن عباس و قتاده و النساء: ۵۸ از راوی مبهم (همو، ج ۳، ص ۹۷).

چنانکه هویداست شیخ طوسی جز یک مورد، مابقی آیات را به استناد روایات، ولو آنکه راوی مبهم داشته‌اند، مستثنا کرده است (همو، ج ۶، ص ۳۵۷). او افزون بر آنکه آیات مستثنا را در مقدمه نام برده، در همو بخش، ذیل ده آیه، علت مستثنا شدن را هم بیان کرده است. در خلال تفسیر به علت مستثنا شدن شش آیه دیگر هم می‌توان دست یافت، اما در پانزده مورد دیگر هیچ قرینه‌ای برای مستثنا شدن آنها در دست نیست.

۲-۴. تفسیر مجمع البیان

طبرسی (م ۵۴۱ هجری) با نقل ۸۷ مورد، رکورددار نقل آیات مستثنا از ابتدای تاریخ تفسیر تا قرن ششم هجری است. لیست آیات مستثنای او در سور مکی به این شرح است: آیات: الأنعام: ۹۱-۹۳ و ۱۵۱-۱۵۳ با یک سند و آیات ۱۵۱-۱۵۳ با سند دیگر (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۴، ص ۴۲۱)؛ یوسف: ۱-۳ و ۷ (همو، ج ۵، ص ۳۱۵)؛ النحل: ۹۵-۹۷ (همو، ج ۶، ص ۵۳۵)؛ الإسراء: ۷۳-۸۰ (همان، ص ۶۰۷)؛ الکهف: ۲۸ (همان، ص ۶۹۰)؛ الفرقان: ۶۸-۷۰ (همو، ج ۷، ص ۲۵۰)؛ لقمان: ۲۷-۲۹ (همو، ج ۸، ص ۴۸۸)؛ یس: ۴۷ (همان، ص ۶۴۶)؛ ق: ۳۸ (همو، ج ۹، ص ۲۱۰)؛ النجم: ۳۲ (همان، ص ۲۵۸)؛ التغابن: ۱۴-۱۶ (همو، ج ۱۰، ص ۴۴۶) همگی به نقل از ابن عباس؛ یونس: ۹۴-۹۶ (همو، ج ۵، ص ۱۳۱)؛ غافر: ۵۶-۵۷ (همو، ج ۸، ص ۷۹۷)؛ شوری: ۲۳-۲۶ (همو، ج ۹، ص ۳۱)؛ الأحقاف: ۱۰ (همان، ص ۱۲۳)؛ الواقعة: ۳۹ و ۸۱-۸۲ (همان، ص ۳۲۱)؛ القلم: ۱۶-۳۳ و ۴-۵۰ (همو، ج ۱۰، ص ۴۹۶)؛ المطففین: ۲۹-۳۶ (همان، ص ۶۸۵) از ابن عباس و قتاده؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ از ابن عباس، قتاده و حسن بصری (همو، ج ۶، ص ۴۶۳)؛ آیات مبهم از سورة الحج از ابن عباس و عطاء (همو، ج ۷، ص ۱۰۹)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ از ابن عباس، عطاء و شعبی (همو، ج ۶، ص ۵۳۵)؛ الرحمن: ۲۹ از ابن عباس، قتاده، عکرمه

و عطاء (همو، ج ۹، ص ۲۹۶)؛ هود: ۱۱۴ (همو، ج ۵، ص ۲۱۲)؛ الإسراء: ۷۳-۸۰ (همو، ج ۶، ص ۶۰۷)؛ الجاثیة: ۱۴ (همو، ج ۹، ص ۱۰۶)؛ النجم: ۳۲ از قتاده (همان، ص ۲۵۸)؛ الأعراف: ۱۶۳ از قتاده و ضحاک (همو، ج ۴، ص ۶۰۸)؛ النحل: ۴۱ تا آخر سوره از قتاده و حسن بصری (همو، ج ۶، ص ۵۳۵)؛ الحجر: ۸۷ و ۹۰-۹۱ از قتاده، حسن بصری و مجاهد (همان، ص ۵۰۱)؛ الإسراء: ۲۶، ۳۲-۳۳، ۵۷ و ۷۸ (همان، ص ۶۰۷)؛ الروم: ۱۷ (همو، ج ۸، ص ۴۵۹)؛ فاطر: ۲۹ و ۳۲ (همان، ص ۶۲۴)؛ غافر: ۵۵ (همان، ص ۷۹۷)؛ الشوری: ۳۸-۴۰ (همو، ج ۹، ص ۳۱)؛ ق: ۳۸-۳۹ (همان، ص ۲۱۰) و المعارج: ۲۴ (همو، ج ۱۰، ص ۵۲۷) از حسن بصری و العنکبوت: ۱-۱۰ عنکبوت از حسن بصری، یحیی بن سلام و ابن عباس (همو، ج ۸، ص ۴۲۵)؛ الرعد: ۴۳ از مقاتل و کلبی (همو، ج ۶، ص ۴۱۹)؛ الماعون: ۴-۷ از ضحاک (همو، ج ۱۰، ص ۸۳۲)؛ یونس: ۴۰ از ابن المبارک (همو، ج ۵، ص ۱۳۱)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همو، ج ۷، ص ۲۸۶)؛ الزمر: ۱۰ و ۱۰-۱۲ (همو، ج ۸، ص ۷۶۰) و آیات مبهم از سوره المزمل (همو، ج ۱۰، ص ۵۶۵) از راویان مبهم نقل شده و آیات السجدة: ۱۸-۲۰ را هم طبرسی بدون استناد به روایات مستثنا نموده است (همو، ج ۸، ص ۵۰۸).

همچنین او آیات الأنفال: ۳۰-۳۶ (همو، ج ۴، ص ۷۹۴) و محمد: ۱۳ (همو، ج ۹، ص ۱۴۴) را به نقل از ابن عباس و قتاده؛ الرعد: ۳۱-۳۲ را از حسن، عکرمه و قتاده (همو، ج ۶، ص ۴۱۹)؛ الانسان: ۲۴ را از حسن، عکرمه و کلبی و الانسان: ۳۱-۳۲ از راویان مبهم (همو، ج ۱۰، ص ۶۰۸)؛ آیات مبهمی از سوره الحج را از حسن و دیگر راویان مبهم (همو، ج ۷، ص ۱۰۹) در سور مدنی مستثنا نموده که در مجموع به هفت مورد می‌رسد.

طبرسی در نقل آیات مستثنا جز در سوره السجدة، کاملاً به روایات استناد کرده ولو آنکه راویان مبهم بوده‌اند. دقت نظر طبرسی در نام بردن از راویان در هر مورد از مستثنیات، علاوه بر آنکه نشانگر دقت کلی او در نقل روایات است، بیانگر اهمیت این آیات در نظر او هم هست. وی تمامی آیات مستثنا را در مقدمه سوره‌ها نقل کرده و در هفده مورد در مقدمه، علت مستثنا شدن آیه را هم بیان کرده است.

لازم به ذکر است طبرسی ذیل سور البقرة (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۱۱۱)؛ النساء (همو، ج ۳، ص ۳)؛ المائدة (همان، ص ۲۳۱) و التوبة (همو، ج ۵، ص ۳) که همگی

مدنی است، روایاتی مبنی بر مکی بودن یک آیه از آنها نقل کرده است. اما تأمل در این روایات نشان می‌دهد مقصود طبرسی نزول آیات مذکور در ایام فتح مکه (سال هشتم) یا حجة الوداع (سال دهم) است که به سبب وقوع این دو حادثه پس از هجرت پیامبر، نزول آیات در این دو برهه باز هم مدنی خواهد بود؛ هرچند برحسب مکان در مکه واقع شده باشد. او ذیل سورة الزخرف نیز این سوره را مکی دانسته جز آیه ۴۵ که بنابر روایتی نزول آن در بیت المقدس بوده (همو، ج ۹، ص ۵۹) که باز هم برحسب ملاک مکانی مستثنا شده است. در نتیجه ظاهراً طبرسی افزون بر ملاک زمان، به ملاک مکانی برای تعیین مکی و مدنی بودن سوره‌ها هم توجه داشته؛ یا آنکه گاهی بین ملاک‌های زمانی و مکانی تعیین سور خلط کرده و به اشتباه آیاتی که برحسب ملاک مکانی، نزول متفاوتی داشته را هم مستثنا حساب کرده است؛ چون ادبیات او در نقل این آیات کاملاً شبیه دیگر آیات مستثناست.

۵-۲. تفسیر المحرر الوجیز

ابن عطیة (م ۵۴۲ هجری) شصت مورد را مستثنا کرده که ۵۴ مورد آن در سور مکی قرار گرفته و شامل آیات ذیل است: الأنعام: ۲۰، ۹۱، ۹۳، ۱۱۴ و ۱۵۱ (ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۶۵)؛ الحج: ۹-۱۲ (همو، ج ۴، ص ۱۰۵)؛ لقمان: ۲۷-۲۹ (همان، ص ۳۴۵) به نقل از ابن عباس؛ الحج: ۱۹-۲۲ از ابن عباس و مجاهد (همان، ص ۱۰۵)، الأنعام: ۹۱ و آیه‌ای دیگر (همو، ج ۲، ص ۲۶۵)؛ یونس: ۴۰ از کلیبی (همو، ج ۳، ص ۱۰۲)؛ الرعد: ۳۱ با دو سند (همان، ص ۲۹۰)؛ لقمان: ۲۷-۲۸ (همو، ج ۴، ص ۳۴۵)؛ شوری: ۲۳-۲۴ و ۳۹-۴۱ از قتاده (همو، ج ۵، ص ۲۵)؛ الانسان: ۲۴ از حسن و عکرمه (همان، ص ۴۰۸)؛ القصص: ۸۵ از ابن سلام و راوی میهم دیگر (همو، ج ۴، ص ۲۷۵)؛ الرعد: ۳۱ و ۴۳ (همو، ج ۳، ص ۲۹۰) و المرسلات: ۴۸ (همو، ج ۵، ص ۴۱۶) از نقاشی؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ از نقاشی و مکی (همو، ج ۳، ص ۳۲۱)؛ الاعراف: ۱۶۳-۱۷۲ (همو، ج ۲، ص ۳۷۲)؛ یونس: ۹۴ و آیه‌ای دیگر در این سوره (همو، ج ۳، ص ۱۰۲)؛ هود: ۲، ۱۷ و ۱۱۴ (همان، ص ۱۴۸)؛ الإسراء: ۱۰۷ (همان، ص ۴۳۴)؛ الشعراء: ۱۹۷ (همو، ج ۴، ص ۲۲۴)؛ القصص: ۵۲-۵۴

(همان، ص ۲۷۵) از مقاتل بن سلیمان؛ الزمر: ۵۳-۵۵ (همان، ص ۵۱۷) و المزمّل: ۲۰ (همو، ج ۵، ص ۳۸۶) از جمهور (مفسران یا راویان)؛ یونس: ۴۱ تا آخر سوره (همو، ج ۳، ص ۱۰۲)؛ الکهف: ۱-۸ (همان، ص ۴۹۴)؛ مریم: ۵۸ (همو، ج ۴، ص ۳)؛ سبأ: ۶ (همان، ص ۴۰۴)؛ یس: ۱۲ (همان، ص ۴۴۵)؛ الزمر: ۵۳ تا آخر و هفت آیه مبهم در این سوره (همان، ص ۵۱۷)؛ آیات مبهم در سوره غافر (همان، ص ۵۴۵)؛ القمر: ۴۵ (همو، ج ۵، ص ۲۱۱)؛ آیه‌ای مبهم در سوره الواقعة (همان، ص ۲۳۸) و التغابن: ۱۴-۱۶ (همان، ص ۳۱۷) از راویان مبهم و النحل: ۱۱۰، ۱۲۶-۱۲۷ (همو، ج ۳، ص ۳۷۷) و الإسراء: ۶۰، ۶۷، ۷۳-۷۶ و ۸۰ (همان، ص ۴۳۴)؛ العنکبوت: ۱-۱۰ (همو، ج ۴، ص ۳۰۵)؛ السجدة: ۱۸-۲۰ (همان، ص ۳۵۷)؛ الاحقاف: ۱۰ و ۳۵ (همو، ج ۵، ص ۹۱) که بدون ذکر نام راوی مستثنا شده‌اند.

در این تفسیر شش مورد در سور مدنی مستثنا شده که شامل آیات: الانفال: ۳۰ از مقاتل (همو، ج ۲، ص ۴۹۶)؛ المجادلة: ۷ (همو، ج ۵، ص ۲۷۲) و ده آیه مبهم در سوره الحج (همو، ج ۴، ص ۱۰۵) از نقاشی؛ الحج: ۵۲-۵۵ از قتاده (همان، ص ۱۰۵)؛ چند آیه مبهم در سوره الفرقان از ضحاک (همان، ص ۱۹۹) و دو آیه آخر سوره التوبة است (همو، ج ۳، ص ۳).

ابن عطیة برای اغلب آیات مستثنا روایاتی نقل نموده اما در مواردی هم بدون روایت، آیه‌ای را مستثنا نموده که احتمالاً برحسب اجتهاد تفسیری او بوده است. او افزون بر آنکه همواره آیات مستثنا را در مقدمه سوره‌ها بیان کرده، در بیشتر موارد در مقدمه، به علت مستثنا شدن آیه هم اشاره کرده است.

مقایسه روایات ابن عطیة با دیگر مفسران این دوره نشانگر آن است که در تفسیر ابن عطیة روایات مبهم و راویان مبهم در نقل آیات مستثنا افزایش یافته‌اند. بدین معنا که روایاتی که به مستثنا بودن آیات مبهمی از یک سوره اشاره داشته‌اند، در تفسیر ماوردی یک مورد و در تفاسیر طوسی و طبرسی هر کدام دو مورد بوده، اما در تفسیر ابن عطیة به چهار مورد رسیده است. همین مسئله در نقل روایت از راویان مبهم هم به طور محسوسی افزایش داشته است. چنانکه ماوردی در دو، طوسی در سه و طبرسی در چهار مورد، اما ابن عطیة در یازده مورد با عباراتی نظیر (قیل یا قال فرقة) از قول راویانی

مبهم، برخی آیات را مستثنا کرده است. همچنین ابن عطیة برای نخستین بار در دو موضع آیات مستثنا را به نقل از «جمهور» بیان کرده که در تفاسیر قبلی بی سابقه بوده است. افزون بر آنکه اصطلاح «جمهور» را هم می توان به موارد نقل از راویان مبهم افزود.

سومین نکته در روش ابن عطیة نگاه نقادانه او به برخی روایات مستثنیات است. او پس از نقل روایاتی درباره مستثنا بودن آیات: الانفال: ۳۰؛ النحل: ۴۱؛ الکهف: ۱-۸؛ العنکبوت: ۱-۱۰؛ یس: ۱۲ و آیات مبهم از سورة الواقعة، به رد مستثنا بودن آنها پرداخته است. به عنوان مثال ذیل آیه النحل: ۴۱، اشاره آن به مسئله هجرت را دلیلی بر مستثنا شدن این آیه ندانسته و مقصود از هجرت در این آیه را هجرت به حبشه دانسته؛ نه هجرت به مدینه (ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۷۷). او مستثنا بودن آیات: مریم: ۵۸؛ سبأ: ۶ و المرسلات: ۴۸ را هم با تردید بیان کرده است.

ابن عطیة چندین آیه مستثنا را هم به نقل از مقاتل بیان کرده که همه آنها در تفسیر مقاتل نیز مستثنا شده؛ جز آنکه در تفسیر مقاتل آیات الإسرائ: ۱۰۷-۱۰۹ مستثنا توصیف شده است (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۵۱۲)، اما ابن عطیة تنها مستثنا بودن آیه ۱۰۷ این سوره را از مقاتل نقل کرده که البته به نظر می رسد این اختلاف ناشی از اشتباه سهوی وی بوده است؛ زیرا هم مضمون آیات ۱۰۷-۱۰۹ به هم پیوسته است و امکان نزول جدا از هم را نداشته و هم آنکه در تفسیر ابن عطیة شماره آیه ۱۰۷ سوره الإسرائ، به اشتباه ۸۵ خورده، اما متن آیه ۱۰۷ ذکر شده است (ر.ک: ابن عطیة، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۳۴). فارغ از این تفاوت، هماهنگی آیات نقل شده از مقاتل با تفسیر او می تواند نشانگر استفاده ابن عطیة از تفسیر مقاتل و عدم تغییر این تفسیر در این چند قرن باشد.

جمع بندی دوره دوم

تحلیل عملکرد مفسران این دوره در پنج محور مورد بررسی در نقل آیات مستثنا، در چند نکته قابل ذکر است: نخست آنکه روش ثعلبی در میزان نقل و چگونگی نقل آیات مستثنا شبیه مفسران دوره نخست است. این مسئله نشانگر بروز تغییرات تدریجی [و

نه دفعی] در رویکرد مفسران است. در نتیجه به صرف ورود به یک قرن جدید، همه مفسران تغییر روش نداشته‌اند. لذا یافته‌های دوره قبل همچنان درباره ثعلبی صدق می‌کند و آنچه درباره روش مفسران این دوره در نقل آیات مستثنا بیان می‌شود، شامل او نیست لذا این نوشتار به سبب آنکه برحسب تاریخ قرن‌ها به دسته‌بندی مفسران پرداخته، به ناچار ثعلبی را در دوره دوم قرار داده است. **دوم**؛ در این دوره همچون دوره قبل اغلب آیات مستثنا در سور مکی گزارش شده است. **سوم**؛ مفسران این دوره اهتمام بسیاری به نقل روایت در بیان آیات مستثنا داشته‌اند؛ تا حدی که از راویان مبهم روایت نقل کرده و در موارد قابل توجهی از دو یا سه راوی برای یک روایت مستثنا نام برده‌اند. **چهارم**؛ میزان استناددهی مفسران این دوره به راویان مختلف متفاوت بوده است. به عنوان مثال ارجاع به ابن عباس و قتاده در تفاسیر ماوردی و طبرسی بسیار زیاد، در تفسیر طوسی متوسط و در تفسیر ابن عطیة اندک بوده است. یا آنکه ارجاع به مقاتل در تفسیر ابن عطیة قابل توجه و در سه تفسیر دیگر اندک بوده است. **پنجم**؛ در روایاتی که مفسران این دوره به نقل از صحابه و تابعان درباره مکی و مدنی بودن سوره‌ها و سپس آیات مستثنای هر سوره نقل کرده‌اند، اختلاف و تناقض فراوانی به چشم می‌آید. به طور مثال ذیل سوره عنکبوت دو روایت از ابن عباس نقل شده است. اولی مبنی بر مدنی بودن تمام این سوره و دومی مبنی بر مکی بودن آن و نزول ۱۰ آیه اول این سوره در مدینه (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۸، ص ۴۲۵). وقوع چنین اختلافاتی از سویی به سبب نقل فراوان روایات از سوی مفسران این دوره طبیعی است و از سوی دیگر نشانگر سستی روایات این حوزه است. **ششم**؛ مفسران این دوره با دقت بیشتری آیات مستثنا را در مقدمه سوره‌ها ذکر کرده‌اند و در دست کم نیمی از موارد، علت مستثنا شدن آیه را هم در هم مقدمه بیان نموده‌اند که این شیوه را در دوره قبل فقط در تفسیر دینوری شاهد بودیم. **هفتم**؛ باور مشهوری مبنی بر اترپذیری فراوان طبرسی از شیخ طوسی در نگارش تفسیر وجود دارد. اما مقایسه آراء او با شیخ طوسی در زمینه آیات مستثنا، این دیدگاه را تأیید نمی‌کند؛ بلکه از مقایسه موارد متعدد، به صراحت می‌توان گفت که طبرسی دست کم در نقل آیات مستثنا به شدت تحت تأثیر دیدگاه‌های ماوردی است و نه شیخ طوسی. اثبات مفصل این مدعا مقاله‌ای جداگانه می‌طلبد اما به عنوان نمونه می‌توان از

چند اختلاف در نقل روایات قتاده یاد کرد که در همه موارد طبرسی دیدگاهی مشابه ماوردی داشته و نه شیخ طوسی (ر.ک: مقدمه سوره‌های العنکبوت، غافر، الشوری، الجاثیه، الاحقاف در هر سه تفسیر). هشتم؛ در این دوره آیات فراوانی افزوده شده که بیشتر در تفاسیر دوره اول ذکر نشده بود. این آیات به شرح ذیل است: النحل: ۹۵-۹۶؛ الحج: ۱۹-۲۱؛ الفرقان: ۶۸-۷۰؛ لقمان: ۲۷-۲۹؛ سبأ: ۶؛ یس: ۱۲؛ الزمر: ۲۳؛ الجاثیه: ۱۴؛ غافر: ۵۵؛ النجم: ۳۲؛ ق: ۳۸؛ القمر: ۴؛ الواقعة: ۸۲؛ المجادلة: ۱۱-۲۲؛ الانسان: ۲۴؛ القلم: ۱۶-۳۳ و ۴۸-۵۰؛ المرسلات: ۴۸؛ المطففين: ۲۹-۳۶. اما افزون بر این لیست، چند آیه دیگر هم در این دوره به شمار آیات مستثنا اضافه شدند و هم تنها در همین دوره به عنوان مستثنیات ذکر شده‌اند که شامل آیات پراکنده در سوره یوسف؛ الحجر: ۸۷؛ الکهف: ۲۸؛ الروم: ۱۷؛ لقمان: ۴؛ فاطر: ۲۹-۳۲؛ محمد: ۱۳؛ الزمر: ۱۰؛ الواقعة: ۳۹؛ الرحمن: ۲۹ و المعارج: ۲۴ است.

۳. دوره سوم تفاسیر متأخر: قرن ۷-۹

در این دوره سه تفسیر زیر بررسی شده است:

۳-۱. الجامع لأحكام القرآن

قرطبی (م ۶۷۱ هجری) ۸۸ مورد را مستثنا نموده که لیست آیات مکی او به شرح ذیل است: آیات: یونس: ۹۴-۹۶ (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۸، ص ۳۰۴)؛ النحل: ۹۵-۹۶ (همو، ج ۱۰، ص ۶۵)؛ الحج: ۲۲-۲۵ (همو، ج ۱۲، ص ۱)؛ لقمان: ۲۷-۲۹ (همو، ج ۱۴، ص ۵۰)؛ الزمر: ۲۳ و ۵۳ (همو، ج ۱۵، ص ۲۳۲) به نقل از ابن عباس؛ الانعام: ۹۱ و ۱۴۱ (همو، ج ۶، ص ۳۸۲)؛ هود: ۱۱۴ (همو، ج ۹، ص ۱)؛ ۴ آیه مبهم در سوره یوسف (همان، ص ۱۱۸)؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ (همان، ص ۳۳۸)، ۱۰ آیه مبهم از سوره الحج از نقاشی (همو، ج ۱۲، ص ۱)؛ الفرقان: ۶۸-۷۰ (همو، ج ۱۳، ص ۱)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همان، ص ۸۷)؛ غافر: ۵۶-۵۷ (همو، ج ۱۵، ص ۲۸۸)؛ شوری: ۲۳-۲۶ (همو، ج ۱۶، ص ۱)؛ الجاثیه: ۱۴ (همان، ص ۱۵۶)؛ ق: ۳۸ (همو، ج ۱۷، ص ۱)؛ النجم: ۳۲ (همان، ص ۸۱)؛ الواقعة: ۸۲

(همان، ص ۱۹۴)؛ القلم: ۱۶-۳۳ و ۴۸-۵۰ (همو، ج ۱۸، ص ۲۲۲)؛ المزمّل: ۱۰-۱۱ (همو، ج ۱۹، ص ۳۱)؛ المرسلات: ۴۸ از ابن عباس و قتاده؛ الحج: ۱۹-۲۱ از ابن عباس و مجاهد (همو، ج ۱۲، ص ۱)؛ القصص: ۸۵ از ابن عباس، قتاده و ابن سلام (همو، ج ۱۳، ص ۲۴۷)؛ یونس: ۴۰ (همو، ج ۸، ص ۳۰۴)؛ الواقعة: ۳۹-۴۰ و ۸۱-۸۲ از کلبی (همو، ج ۱۷، ص ۱۹۴)؛ السجدة: ۱۸-۲۰ از کلبی و مقاتل (همو، ج ۱۴، ص ۸۴)؛ غافر: ۵۵ از حسن بصری (همو، ج ۱۵، ص ۲۸۸)؛ لقمان: ۲۷-۲۸ از قتاده (همو، ج ۱۴، ص ۵۰)؛ العنکبوت: ۱-۱۰ از یحیی بن سلام (همو، ج ۱۳، ص ۳۲۳)؛ یونس: ۹۴-۹۵ (همو، ج ۸، ص ۳۰۴)؛ الإسراء: ۱۰۷ (همو، ج ۱۰، ص ۲۰۳)؛ الشعراء: ۲۲۴ (همو، ج ۱۳، ص ۸۷)؛ الزخرف: ۴۵ (همو، ج ۱۶، ص ۶۱)؛ القمر: ۴۴-۴۶ (همو، ج ۱۷، ص ۱۲۵) از مقاتل بن سلیمان (همو، ج ۱۶، ص ۶۱)؛ الانعام: ۹۱-۹۳ و ۱۵۱-۱۵۳ (همو، ج ۶، ص ۳۸۲) و المزمّل: ۲۰ از ثعلبی؛ یونس: ۴۱ تا آخر سوره (همو، ج ۸، ص ۳۰۴)؛ ۳ آیه مبهم در سوره ابراهیم (همو، ج ۹، ص ۳۳۸)؛ النحل: ۱۱۰ و ۱۲۶-۱۲۷ (همو، ج ۱۰، ص ۶۵)؛ الکهف: ۱-۸ (همان، ص ۳۴۶)؛ السجدة: ۱۶-۲۰ (همو، ج ۱۴، ص ۸۴)؛ سبأ: ۶ (همان، ص ۲۵۸)؛ یس: ۱۲ (همو، ج ۱۵، ص ۱) و الزمر: ۵۳-۵۹ (همان، ص ۲۳۲) از راویان مبهم و الاعراف: ۱۶۳-۱۷۰ (همو، ج ۷، ص ۱۶۰)؛ الإسراء: ۶۰، ۷۶ و ۸۰ (همو، ج ۱۰، ص ۲۰۳) و الاحقاف: ۱۰ (همو، ج ۱۶، ص ۱۸۸) بدون ذکر روایت.

لیست آیات مدنی او به شرح ذیل است: الانفال: ۳۰-۳۶ (همو، ج ۷، ص ۳۶۰) و التغابن: ۱۴-۱۸ (همو، ج ۱۸، ص ۱۳۱) از ابن عباس؛ الرعد: ۳۱-۳۲ (همو، ج ۹، ص ۲۷۸) و المطففین: ۲۹-۳۶ (همو، ج ۱۹، ص ۲۵۰) از ابن عباس و قتاده؛ الحج: ۵۲-۵۵ از قتاده (همو، ج ۱۲، ص ۱)؛ آیات مبهم از سوره الفرقان از ضحاک (همو، ج ۱۳، ص ۱)؛ المجادلة: ۷ (همو، ج ۱۷، ص ۲۶۹) و آیات مبهم از سوره التغابن (همو، ج ۱۸، ص ۱۳۱) از کلبی؛ المجادلة: ۱۱-۲۲ از عطاء (همو، ج ۱۷، ص ۲۶۹) و الانسان: ۲۳-۳۱ از راویان مبهم (همو، ج ۱۹، ص ۱۱۸).

قرطبی افزون بر آنکه آیات مستثنای هر سوره را در ابتدای آن بیان کرده، در ۳۲ مورد (بیش از یک سوم)، علت مستثنا شدن آیات را هم در مقدمه سوره ذکر کرده است. او اغلب آیات را به واسطه بیان روایت، مستثنا نموده و در یازده مورد همچون ابن عطیة، با

عبارات «قیل» و «قال فرقة»، به شکل مبهم از راویان یاد کرده که در تفاسیر بررسی شده در این نوشتار، بیشترین آمارِ نقلِ روایت بدون ذکر نامِ راوی است. وی در پنج مورد بدون اشاره به هیچ نقلی، آیات را مستثنا نموده است. در همه تفاسیر بررسی شده، قرطبی با ارجاع هفت روایت به کلبی، بیشترین میزان نقل روایت از این راوی را داشته است. همچنین او تنها مفسر در این جستجو است که سه آیه مستثنا را به نقل از ثعلبی بیان نموده است. وی پنج آیه مستثنا را هم از مقاتل بیان کرده و بدین سان هشت مورد از مستثنیات را به نقل از مفسران متقدم پیش از خود بیان نموده که نشان می‌دهد نقل قولی قدیمی‌تر و بهتر درباره مستثنا بودن این آیات در دست نداشته است. البته آیتی که قرطبی به نقل از مقاتل مستثنا ساخته در مقایسه با آیاتی که در تفسیر کنونی مقاتل مستثنا شده، در سور الاسراء و یونس یکسان و در سور السجدة، الزخرف و القمر متفاوت است. برای این تفاوت احتمالات مختلفی می‌توان مطرح کرد؛ از جمله آنکه برخی آیات در نقل‌های شفاهی باقی مانده از مقاتل مستثنا بوده و در تفسیر مقاتل وجود نداشته، یا آنکه نسخه‌های مختلفی از تفسیر مقاتل در دست بوده که نسخه قرطبی با نسخه کنونی تفسیر مقاتل متفاوت بوده است و یا آنکه مقاتل در منابع دیگری افزون بر تفسیرش، آیاتی را مستثنا ساخته است. همچنین ذیل سوره مکی الشعراء، قرطبی آیه ۱۹۷ را به نقل از مقاتل مدنی دانسته است. اما برحسب توضیحی که درباره مضمون آیه ارایه کرده مشخص است که قرطبی در نوشتن شماره این آیه مستثنا اشتباه کرده و مقصودش آیات ۲۲۷-۲۲۴ بوده است.

دیگر شباهت روشی قرطبی با ابن عطیة، رویکرد نقادانه به برخی آیات مستثناست. چنانکه او ذیل آیات الحج: ۱۹-۲۱ و السجدة: ۱۶-۲۰، امکان مستثنا بودن آیه را رد کرده و ذیل آیات سبأ: ۶؛ غافر: ۵۵ و الجاثیة: ۱۴ در مستثنا بودن آیه تشکیک وارد کرده است.

۱-۳. تفسیر القرآن العظیم

ابن کثیر (م ۷۷۴ هجری) مفسر، محدث و مورخ مشهور، علی رغم آنکه تفسیرش در زمره تفاسیر روایی است، منتقد سرسخت آیات مستثنا بوده. او ذیل برخی سوره‌ها که در دیگر

تفاسیر دارای مستثنیات بوده، اصلاً مقدمه‌ای بیان نکرده (ر.ک. ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، الاعراف، ج ۳، ص ۳۴۸؛ یونس، همو، ج ۴، ص ۲۱۵؛ ابراهیم، همان، ص ۴۰۹؛ النحل، همان، ص ۴۷۶) تا نوبت به نقل آیات مستثنا برسد و ذیل برخی دیگر تنها به مکی یا مدنی بودن سوره اشاره کرده اما آیات مستثنا برای آن سوره‌ها نقل نکرده است (سور: الانعام، همو، ج ۳، ص ۲۱۳؛ هود، همو، ج ۴، ص ۲۶۲؛ یوسف، همو، ج ۴، ص ۳۱۳). او در مواجهه با روایاتی که مضمون آنها حاکی از مستثنا بودن یک آیه بوده، همواره با استناد به این اصل که سوره‌ها نزول یکپارچه داشته‌اند و یک سوره یا تماماً مکی و یا مدنی است، به نقد این روایات پرداخته است (ر.ک. الانعام، همو، ج ۳، ص ۲۲۱؛ الاعراف: ۱۶۷، همان، ص ۴۶۸؛ النحل: ۱۰۳، همو، ج ۴، ص ۴۱۸-۴۱۹ و النحل: ۱۲۶-۱۲۸، همان، ص ۵۲۷؛ الإسراء: ۷۷، همو، ج ۵، ص ۹۱؛ مریم، همان، ص ۲۳۸؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷، همو، ج ۶، ص ۱۵۹). وی حتی ذیل آیه الاسراء: ۸۵ که درباره سؤال یهودیان از روح نازل شده، قائل به تکرار نزول این آیه یکبار در مکه همراه با مابقی آیات سوره و یکبار در مدینه در پاسخ به یهودیان شده تا مستثنا بودن این آیه را نپذیرد (همو، ج ۵، ص ۱۰۵). با این وجود وی ذیل آیه الدخان: ۴۹ سبب نزولی نقل کرده که به طور غیرمستقیم حاکی از مستثنا بودن آیه است (همو، ج ۷، ص ۲۴۰).

۲-۳. تفسیر الدر المنثور

سیوطی (م ۹۱۱ هجری) نودمورد را مستثنا کرده که شامل آیات " الانعام: ۱۵۱-۱۵۳ (سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳)؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ با چهار سند (همو، ج ۴، ص ۶۹ و ۸۴-۸۵)؛ النحل: ۴۱ (همان، ص ۱۱۸)؛ النحل: ۱۱۰ (همان، ص ۱۳۳)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ با دو سند (همان، ص ۱۰۹ و ۱۳۵)؛ الإسراء: ۷۳ (همان، ص ۱۹۴)؛ الإسراء: ۸۰ (همان، ص ۱۹۸)؛ الشعراء: ۲۲۳-۲۲۷ (همو، ج ۵، ص ۸۲)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ با سه سند (همان، ص ۹۹-۱۰۰)؛ لقمان: ۲۷-۲۹ (همو، ج ۵، ص ۱۵۸)؛ السجدة: ۱۸-۲۰ (همان، ص ۱۷۰)؛ الزمر: ۵۳-۵۵ (همان، ص ۳۲۲)؛ الاحقاف: ۱۰ (همو، ج ۶، ص ۳۹)، سه آیه مبهم در سورة الملک (همان، ص ۲۴۶)؛ المزمّل: ۲۰ (همان، ص ۲۷۶) و التغابن: ۱۴-۱۶ (همان، ص ۲۲۷) به نقل از ابن عباس؛ الاعراف: ۱۶۳ (همو، ج ۳، ص ۶۷)؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ (همو، ج ۴، ص ۸۵)؛ النحل: ۴۱ (همان، ص ۱۱۸)؛ النحل: ۱۱۰ (همان،

ص ۱۳۳)؛ الإسراء: ۸۰ (همو، ج ۴، ص ۱۹۸-۱۹۹)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همو، ج ۵، ص ۱۰۰)؛ القصص: ۵۲-۵۵ (همان، ص ۱۳۱)؛ العنکبوت: ۱-۲ و ۱-۱۰ از قتاده (همان، ص ۱۴۱)؛ الاحقاف: ۱۰ با دو سند از قتاده وزید بن اسلم (همو، ج ۶، ص ۳۹)؛ النحل: ۱۰۶ (همو، ج ۴، ص ۱۳۲)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همو، ج ۵، ص ۱۰۰) و الاحقاف: ۱۰ (همو، ج ۶، ص ۳۹) از مجاهد؛ الاحقاف: ۱۰ با سه سند از مجاهد، عطاء و عکرمه (همان، ص ۳۹)؛ النحل: ۱۱۰ (همو، ج ۴، ص ۱۳۳)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ (همان، ص ۱۳۵) و العنکبوت: ۱-۱۰ (همو، ج ۵، ص ۱۴۱) و الاحقاف: ۱۰ از شعبی؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ (همو، ج ۴، ص ۱۳۵)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همو، ج ۵، ص ۱۰۰) و سه آیه مبهم در سوره الملک از ابوهریره (همو، ج ۶، ص ۲۴۶)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ با دو سند از براء بن عازب (همو، ج ۵، ص ۱۰۰)؛ الاحقاف: ۱۰ با دو سند از حسن بصری (همو، ج ۶، ص ۳۹)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همو، ج ۵، ص ۱۰۰) و القصص: ۵۲-۵۵ از سُدّی (همان، ص ۱۳۲)؛ الإسراء: ۷۶ (همو، ج ۴، ص ۱۹۵)؛ الفرقان: ۶۸-۷۰ (همو، ج ۵، ص ۷۸)؛ القصص: ۵۲-۵۵ (همان، ص ۱۳۲) و الاحقاف: ۱۰ (همو، ج ۶، ص ۴۰) از سعید بن جبیر؛ القصص: ۵۲-۵۵ با دو سند از سلمان فارسی (همو، ج ۵، ص ۱۳۱)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ (همان، ص ۹۹)؛ القصص: ۸۵ (همان، ص ۱۳۹)؛ الاحقاف: ۱۰ (همو، ج ۶، ص ۳۹) از ضحاک؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ با دو سند از علی بن ابیطالب (همو، ج ۴، ص ۸۴-۸۵)؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ (همان، ص ۸۵)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ (همان، ص ۱۳۵) و التغابن: ۱۴-۱۶ (همو، ج ۶، ص ۲۲۷) از عطاء بن یسار؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ از عمر بن خطاب (همو، ج ۴، ص ۸۴)؛ الاحقاف: ۱۰ از عکرمه (همو، ج ۶، ص ۳۹)؛ النحل: ۱۲۶-۱۲۸ از ابی بن کعب (همو، ج ۴، ص ۱۳۵)؛ الانعام: ۹۱-۹۲ از کلیبی (همو، ج ۳، ص ۳)؛ الاحقاف: ۱۰ از عبدالله بن سلام؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ از عبدالله بن عمر (همو، ج ۴، ص ۸۵)؛ الاحقاف: ۱۰ از سعد بن ابی وقاص (همو، ج ۶، ص ۳۹)؛ الاحقاف: ۱۰ از حسن بن مسلم (همان، ص ۳۹)؛ القلم: ۱۷ از ابن جریج (همان، ص ۲۵۳)؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ از ابوالطفیل عامر بن وائله (همو، ج ۴، ص ۸۴)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ از عروقه (همو، ج ۵، ص ۹۹)؛ الاحقاف: ۱۰ از محمد بن سیرین (همو، ج ۶، ص ۳۹)؛ القصص: ۸۵ از ابن واقد (همو، ج ۵، ص ۱۳۹)؛ الانعام: ۱۱۱ از ابوجحیفه (همو، ج ۳، ص ۳)؛

الانعام: ۱۵۱-۱۵۲ از شهرین حوشب (همو، ج ۳، ص ۳)؛ الإسراء: ۷۶ از عبدالرحمن بن غنم (همو، ج ۴، ص ۱۹۵)؛ ابراهیم: ۲۸-۲۹ از ابن ابی حسین (همان، ص ۸۵)؛ الاحقاف: ۱۰ از جندب (همو، ج ۶، ص ۴۰)؛ الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ از ابوالحسن سالم البراد (همو، ج ۵، ص ۹۹) و الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ از ابوالحسن مولی بنی نوفل (همان، ص ۹۹)؛ النحل ۴۱ از داوود بن ابی هند (همو، ج ۴، ص ۱۱۸)؛ الاحقاف: ۱۰ از عوف بن مالک اشجعی (همو، ج ۵، ص ۹۹) در سور مکی و آیات: الرعد: ۳۱ (همو، ج ۹، ص ۲۷۸) و الرعد: ۵۲-۵۵ از قتاده (همو، ج ۴، ص ۳۴۲) در سور مدنی است.

سیوطی آیات مستثنا را به شکل منظمی در مقدمه هر سوره بیان کرده و برای مستثنا بودن تمامی آیات به روایات استناد کرده است. او در مقایسه با مفسران پیشین، بیشترین میزان آیات مستثنا را نقل کرده که البته از این میزان تنها دو روایت به مستثنا بودن آیاتی از سور مدنی اختصاص یافته است. وی در مقایسه با مفسران پیشین، آیات جدیدی را مستثنا نکرده؛ بلکه برای بسیاری از آیات مستثنا از روایان بیشتری نام برده و بدین سان بر حجم اسناد افزوده است. به طور مثال او نوزده روایت درباره مستثنا بودن آیه الاحقاف: ۱۰ یا چهارده روایت درباره مستثنا بودن آیات الشعراء: ۲۲۴-۲۲۷ نقل کرده است.

سیوطی بارها از روایانی نام برده که در هیچ یک از تفاسیر پیشین روایتی از آنها درباره آیات مستثنا بیان نشده است. وی از اغلب این روایان نیز تنها یک روایت درباره آیات مستثنا نقل کرده است. درحالیکه در میان این روایان، افراد مشهوری همچون عمر بن خطاب، ابی بن کعب، عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص و عروة بن زبیر هستند که با توجه به محدث بودن آنها، انتظار می‌رفت در این باره روایات بیشتری نقل کرده و روایاتشان نیز در تفاسیر پیش از سیوطی به گستردگی نقل شده باشد.

سیوطی برای همه روایات به سندهایی اشاره کرده که البته سلسله سند مصطلح نیست؛ بلکه در واقع اشاره به منابع متقدمی است که روایت را از آن برگرفته است. این منابع افزون بر منابع تفسیری، شامل منابع مشهور تاریخی مانند طبقات ابن سعد، تاریخ بیهقی، تاریخ ابن عساکر و ... و منابع مهم حدیثی مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، صحیح ترمذی، سنن نسائی، مستدرک حاکم نیشابوری و ... است.

جمع بندی دوره سوم

بیشتر نحاس و سمرقندی هرکدام مستثنا بودن یک آیه را نقد کردند. ابن عطیة نیز در تعداد بیشتری به نقد روایات مستثنا پرداخت. اما **مهمترین ویژگی** این دوره را می توان **ظهور نگاه انتقادی** به آیات مستثنا دانست که در هر سه تفسیر مشهود است. البته که ابن کثیر سردمدار نقد آیات مستثنا بوده است. رویکرد نقادانه به آیات مستثنا از سوی مفسرانی که در حدیث نیز خُبیره بوده اند، بیانگر عدم اعتقاد آنان به موثق بودن روایات بیانگر آیات مستثناست. گو آنکه این مفسران آیات مستثنا را بیشتر حاصل اجتهاد متقدمان می دانسته اند تا نقل روایت متقن از سوی آنان که گاه نقد و گاه در آن تشکیک کرده اند.

دومین ویژگی این دوره افزایش حداکثری روایات مستثناست. چنانکه سیوطی با نقل نودآیه مستثنا رکورددار است.

سومین ویژگی، شکل گیری اسناد روایات است. مفسران این دوره در اغلب موارد و سیوطی در تمامی موارد، مستثنا بودن آیات را به نقل از راویان، ولو آنکه این راویان مبهم باشند، بیان کرده اند و بدین سان آیات مذکور را برپایه روایت مستثنا ساخته اند. درحالیکه مفسران پیشین همه یا اغلب آیات مستثنا را بدون نام بردن از راویان نقل کردند. در نتیجه در این دوره به ویژه در تفسیر سیوطی سیاری از آیات مستثنا برای نخستین بار به نقل از راویان مشهوری همچون ابن عباس و قتاده و یا راویان غیرمشهور نقل می شود و پیش از آن اثری از چنین روایاتی در تفاسیر دیده نمی شود.

چهارمین ویژگی این دوره ارجاع مفسران به کتب قدیمی یا مفسران متقدم در اسناد روایات آیات مستثناست.

پنجمین ویژگی، کم بودن آیاتی است که در این دوره به شمار آیات مستثنا افزوده شده است. چنانکه تنها سه آیه الانعام: ۱۱۱ و ۱۴۱، القلم: ۱۷ صرفاً در تفاسیر این دوره نقل گردیده است. این نکته بیانگر این معناست که در دوره سوم چندان به تعداد آیات افزوده نشده، بلکه مفسران آیات پیشین را به طور کامل نقل کرده اند و درصدد گسترش روایان و ارائه سند برای آیات مستثنا برآمده اند.

نتیجه گیری

برحسب بررسی انجام شده، آیات مستثنا در قرون گذشته سیر تکاملی داشته که این سیر در پنج بخش قابل مشاهده است. ۱- در گذر زمان بر حجم روایات آیات مستثنا به طور مداوم افزوده شده است؛ ۲- به تدریج برای این روایات اسنادی ارایه شده است. به این صورت که در طی قرون متمادی حتی تا قرن نهم، به تدریج اسامی صحابه و تابعان به عنوان راویان آیات مستثنا افزوده شده که با توجه به تأخیر ارایه این اسناد و تعارضی که در انتساب اقوال به صحابه و تابعین وجود دارد، به ساختگی بودن آن می توان پی برد. ۳- به مرور، دلایل مستثنا شدن آیات بیشتر و واضح تر بیان شده است؛ ۴- چگونگی گزارش آیات مستثنا در هر سوره به تدریج منظم و قاعده مند شده و معمولاً در ابتدای هر سوره لیست کامل آیات مستثنا بیان گردیده است؛ ۵- از اواخر دوره دوم، مفسران گاهی رویکرد انتقادی به آیات مستثنا داشته اند. در دوره متقدمان، مقاتل بن سلیمان، در دوره میانه طبرسی و در دوره متأخران سیوطی سردمدار نقل آیات مستثنا به شمار آمده و ابن کثیر نیز منتقدترین مفسر آیات مستثنا بوده است. در نتیجه می توان گفت آیات مستثنا علی رغم آنکه در ظاهر از پشتوانه روایی قابل توجهی برخوردار است، اما در حقیقت، حاصل اجتهاد شخصی مفسران در ادوار گوناگون بوده است. اجتهادی که بیشتر ناشی از درتنگنا قرار گرفتن مفسر در تحلیل آیه یا عدم انطباق آیه با پیش فرض های تاریخی - کلامی او بوده است. از این رو به جای پذیرش مستثنا بودن بخشی از آیات، می بایست درصدد فهم درست این آیات و کشف ارتباط آنها با سیاق سوره هایشان بود.

منابع

۱. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. ابن قتیبہ، عبد اللہ بن مسلم (بی تا). *غریب القرآن*. بیروت: دار و مکتبۃ الهلال.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق: محمد حسین شمس الدین. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۴. ثعلبی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *الكشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. سمرقندی، نصرین محمد (بی تا). *بحر العلوم*. بی جا: بی نا.
۶. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العربی.
۷. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). *تفسیر القرآن العظیم*. اردن: دارالکتب الثقافی.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۵۳۶ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ترجمه: محمد جواد بلاغی (۱۳۷۲). چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: احمد قیصر عاملی، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. فائز، قاسم (۱۳۹۵). *بررسی و نقد تداخل آیات مکی و مدنی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. ماوردی، علی بن محمد (بی تا). *النکت و العیون*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق). *التمهید فی علوم القرآن*. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. مقاتل بن سلیمان بلخی (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. عبدالله محمود شحاته. بیروت: دار احیاء تراث.
۱۸. موسوی مقدم، سید محمد و علی خورشیدی سوار (۱۳۹۶). ارزیابی نظریه اختلاط آیات مکی و مدنی در سوره های قرآن. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث* ۱۴ (۴). صص ۱۶۹-۱۹۳.
- DOI: [10.22051/TQH.2017.10671.1275](https://doi.org/10.22051/TQH.2017.10671.1275)
۱۹. میرمحمدی زرنندی، سید ابوالفضل (۱۴۲۰ق). *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۲۰. نحاس، احمد بن محمد (بی تا). *کتاب الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم*. محمد بن علی ادفوی، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
۲۱. نکونام، جعفر (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ گنداری قرآن*. تهران: نشر هستی نما.
۲۲. هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶ق). *تفسیر کتاب الله العزیز*. الجزیر: دار البصائر.

References

1. Ibn 'Atīyyah, 'Abd al-Haq Ghalib (1422 AH), al-Muharr al-Wajīs fī Tafsīr al-Kitōb al-Azīz, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīyah. [In Arabic]
2. Ibn Qutaybah, Abdullah Ibn Muslim (nd), Gharīb al-Qur'an, Beirut: Dar wa Maktab al-Hilāl. [In Arabic]
3. Ibn Kathīr Dimashqī, Ismail ibn 'Amr (1419 AH), Tafsīr al-Qur'an al-'Azīm, Mohammad Hussein Shamsuddin, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya, Mohammad Ali Bayzoun's Publications. [In Arabic]
4. Tha'labī, Ahmed bin Ibrahim (1422 AH), Al-Kashf wa al-Bayan fī Tafsīr al-Qur'an, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turōth al-Arabi. [In Arabic]
5. Samarqandī, Nasr bin Muhammad (nd), Bahr al-'Uloum, np. [In Arabic]
6. Suyoutī, Jalal al-Din (1421 AH), Al-'Itqān fī 'Ulum al-Qur'an, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Arabi. [In Arabic]
7. Suyoutī, Jalal al-Din (1404 AH), Al-Durr al-Manthur fī Tafsīr al-Ma'thour, Qom: Ayatollah Marashi Najafi's Library. [In Arabic]
8. Tabōtabā'i, Sayed Muhammad Hossein (1417 AH), Al-Mīzan fī Tafsīr Al-Qur'an, Qom: Islamic Publications, Qom Seminary. [In Arabic]
9. Tabarānī, Suleiman bin Ahmed (2008), Interpretation of the Great Qur'an, Jordan - Irbid, Dar Al-Kitab Al-Thaqōfi. [In Arabic]
10. Tabrisī, Fadl bin Hassan (1993), Majma' al-Bayan fī Tafsīr al-Qur'an, Muhammad Jawad Balaghi, Tehran: Nasir Khusraw Publications. [In Arabic]
11. Tabarī, Muhammad bin Jarir (1412 AH), Jami' al-Bayan fī Tafsīr al-Qur'an, Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
12. Tousī, Muhammad bin Hassan (nd), Al-Tibyan fī Tafsīr Al-Qur'an, Beirut: Ahmed Qaisar Ameli, Dar 'Ihyā' Al-Turōth Al-Arabi. [In Arabic]
13. Fayez, Qasem (2016), Review and Critique of the Intersection of Meccan and Medinan Verses, Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]

14. Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1985), *Al-Jami' li Ahkam Al-Qur'an*, Tehran: Nasir Khusrow. [In Arabic]
15. Mawiadī, Ali bin Muhammad (nd), *Al-Nukat wal-'Uyoun*, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah. [In Arabic]
16. Ma'refat, Muhammad Hadi (1415 AH), *Introduction to the Sciences of the Qur'an*, Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]
17. Muqatil bin Suleiman Balkhi (1423 AH), *Interpretation of Muqatil bin Suleiman*, Abdullah Mahmoud Shehata, Beirut: Dar 'Ihyā' Al-Turāth Al-Arabi.
18. Mousavi Moghaddam, Seyyed Muhammad and Ali Khorshidi Sawar, Arziabi (2017), *The Theory of Mixing Meccan and Medinan Verses in Surahs of the Qur'an*, Tehran: Journal of Researches on Qur'an and Hadith Sciences, 4. [In Persian]
19. Mirmohammadi Zarandi, Sayed Abu al-Fadl (1420 AH), *Research in the History and Sciences of the Qur'an*, Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]
20. Nuhhās, Ahmed bin Muhammad (nd), *The Book of Abrogating and Abrogated in the Holy Qur'an*, Muhammad bin Ali Edfawi, Beirut: Cultural Books Foundation. [In Arabic]
21. Nekounam, Ja'far (2001), *An Introduction to the History of the Qur'an*, Tehran: Hastinam. [In Persian]
22. Hawārī, Hud bin Muhkam (1426 AH), *Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz, Al-Jazā'ir*: Dar Al-Basā'ir. [In Arabic]